

تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری

مطالعه موردی: فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت

حمید پورحسین روشن* ، محمدرضا پورجعفر** ، صدیقه علی‌اکبری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۸

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی دلایل تغییر و کاهش عدالت جنسیتی در استفاده از فضای پیرامون مجموعه خواهر امام رضا (ع) پس از اجرای طرح توسعه جدید است. روش‌شناسی پژوهش، انتقادی است، جهت اجرای عملیات تحقیق از روش مردم‌نگاری انتقادی بهره گرفته شده است و داده‌های تحقیق در این مطالعه با استفاده از روش‌های مشاهده مشارکتی و تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شده‌اند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه نظریه نهایی با توجه به رویکرد انتقادی پژوهش از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شد. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند (روش گلوله برفی) و نیز تکنیک اشباع نظری، بیست و پنج نفر از بانوان ۲۰ تا ۴۰ سال محله ساغریسازان و مطهری رشت در این مطالعه شرکت کردند و ادراک و توصیف‌های آنها نسبت به فضای شهری مجموعه خواهر امام شهر رشت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با استفاده از روش "تحلیل گفتمان انتقادی" تحلیل داده‌ها در سه سطح توصیف (آنتیکارسازی گزاره‌ها و محتوای ظاهری)، تفسیر (تعامل بین مصاحبه و یافت) و تبیین (تأثیر دوسویه ساختارها و گفتمان) صورت گرفت؛ نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که در طراحی فضای شهری مذکور دیدگاه‌ها و نیازهای تمامی استفاده‌کنندگان از فضا دیده نشده و به دلیل وجود اعمال قدرت‌های تک‌بعدی مردانه در بازطراحی فضا، موجبات کاهش حضور بانوان و متعاقباً عدالت جنسیتی را در برداشته است. واژه‌های کلیدی: عدالت جنسیتی، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، طرح توسعه حرم خواهر امام رضا (ع)

* دکتری شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

hamid.pourhosein@modares.ac.ir

pourja_m@modares.ac.ir

** استاد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

*** کارشناس ارشد شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران.

hengame.aliabari@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

بسیاری از خاطرات ماندگار و تعریف‌کننده یک فضای شهری در درکی هماهنگ میان استفاده‌کنندگان فضا و مشخصاً در فضاهای عمومی یک شهر نمود پیدا می‌کنند. فضاهای عمومی^۱ هر جامعه یکی از بارزترین عرصه‌های تجلی هویت، فرهنگ و تمدن آن جامعه می‌باشد که همانند پلی دنیای کوچک شهری، خرده‌فرهنگ‌ها، گروه‌های متفاوت قومی، نژادی و جنسیتی را به هم متصل می‌کند (Vaiou & Lykogianni, 2006: 731). فضای شهری^۲ بستری است که فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در آن شکل می‌گیرد و روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با یکدیگر در این عرصه اتفاق می‌افتد. انجام فعالیت‌های گوناگون که در این عرصه‌ها اتفاق می‌افتد باید برای تمام گروه‌ها فارغ از سن، جنس، نژاد فراهم گردد، هرچند درک و تجربه گروه‌های مختلف در محیط متفاوت از یکدیگر است (Beebejaun, 2016: 325).

مطلوبیت یک فضای شهری به توانایی پاسخگویی فضا به نیاز استفاده‌کنندگان آن بستگی دارد. با وجود این‌که زنان نیمی از جمعیت شهرها را تشکیل می‌دهند، در طراحی و ساخت فضاهای شهری به نیاز این گروه چندان توجه نشده است. به‌طورکلی زنان به‌واسطه ویژگی‌های خاص شخصیتی و نقش اجتماعی مراقبت از کودکان، کهنسالان و بیماران در ارتباط با فضای باز شهری نیازهای خاصی داشته که مستلزم رعایت و تأمین نیازهای آن‌ها در فضاهای شهری است و در صورت عدم توانایی فضا در پاسخگویی به نیاز همه گروه‌های استفاده‌کننده، نمی‌توان ادعا کرد که فضای موردنظر فضای عمومی و همه‌شمول است (Wekerle, 2002: 171).

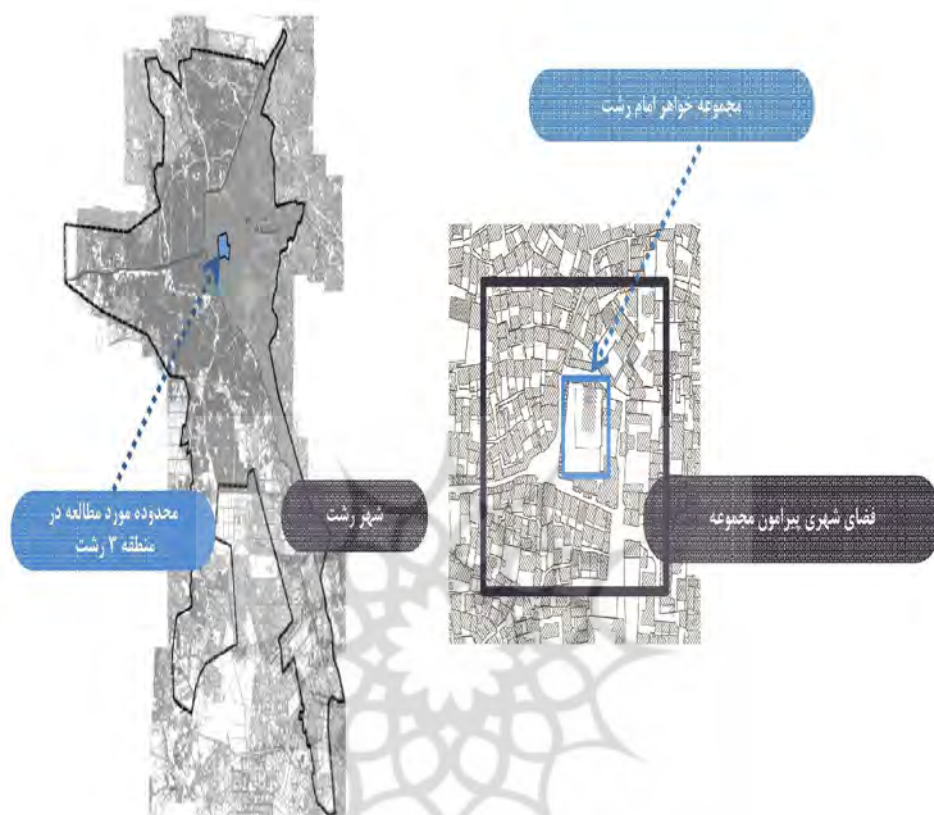
امروزه اکثر فضاهای شهری ماهیتی جنسیتی شده یافته‌اند و فضاهای شهری عملاً در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کنند، به عقیده بسیاری از محققان، محدودیت‌ها و حصارهای فرهنگی ایجادشده برای زنان در فضای اجتماعی و

1. Public spaces
2. Urban spaces

عرصه‌های عمومی باعث شده است که آنها نتوانند به‌خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و مجبور باشند خود را همچون یک عنصر غیر لازم از صورت مسئله فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی حذف کنند و منکر نیازهای فضایی خود به‌عنوان یک شهروند گردند (Fenster, 2005: 34).

زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جهان، باید از حق حضور در فضا بهره‌مند شوند. اما حضور زنان در فضاهای شهری با عوامل متعددی محدود می‌شود، این موانع مشتمل بر مسائل کالبدی فضا، شرایط فرهنگی، اجتماعی و.. است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که سابقه بی‌عدالتی و تبعیض علیه زنان به‌پیش از دهه ۷۰ در قرن بیستم برمی‌گردد. زنان به دلیل مسئولیت‌های سنگین خانواده، زمان بسیار محدودی برای مشارکت در محیط‌های شهری داشته و قادر نیستند علایق و خواست خود را بیان کنند. در میان تبعیض‌های اعمال شده بر زنان، آن‌ها از حق حضور در فضاهای شهری نیز بی‌بهره بوده‌اند به‌نحوی که حتی رویکرد عدم مشمولیت زنان مطرح بود همچنین در برنامه‌ریزی فضاهای شهری نیازهای مردان مورد توجه بود که این امر منجر به ایجاد فضاهای مردانه شد (Sweet & Ortiz, 2014: 8).

فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت که از لحاظ تقسیمات شهری، در محله ساغریسازان در ناحیه ۱ منطقه ۳ شهرداری رشت قرار دارد (شکل شماره ۱) در واقع محدوده‌ای مهم در بافت تاریخی بازار رشت می‌باشد، یک فضای مکث عملکردی و رفتاری برای مجموعه حرکتی بازار بوده و در طول سالیان مختلف به‌عنوان یک فضای عمومی مورد استفاده هم‌زمان بانوان و آقایان بوده و نوعیت امامزاده بر حضور غالب زنان در فضا و ایجاد یک فضای امن برای آنان تأثیرگذار بود. اما تغییرات ایجادشده در مجموعه خواهر امام رضا (ع) و به‌تبع تغییراتی که در فضای پیرامون این مجموعه به‌عنوان یک فضای شهری رخ داده بر نوعیت استفاده‌کنندگان فضا و حضور پذیری کمتر بانوان تأثیر داشته است.

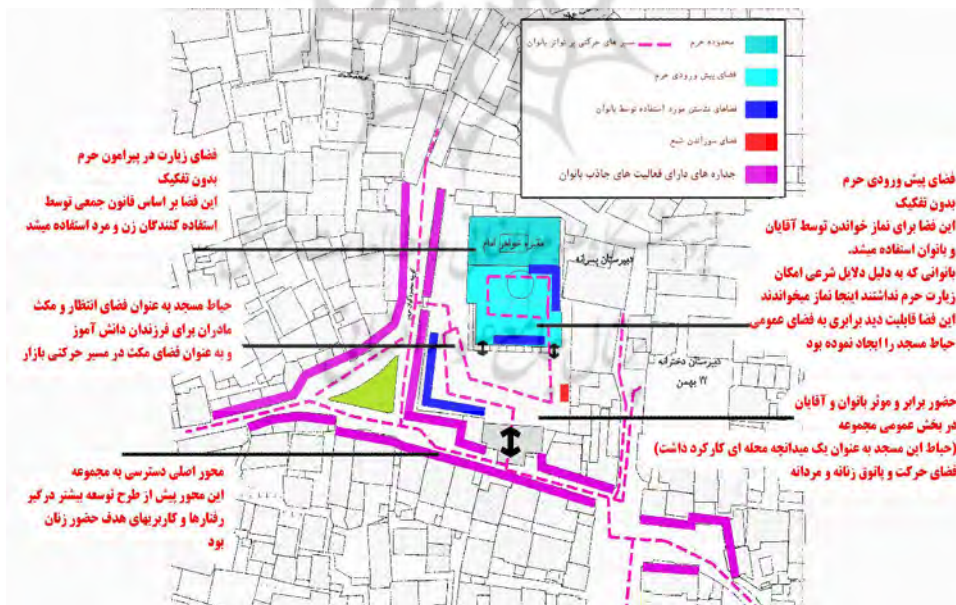


شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر رشت

پیش از تغییرات انجام شده در طرح توسعه مجموعه خواهر امام، فضا بدون هیچ تقسیمات فضایی توسط زنان و مردان مورد استفاده قرار می‌گرفت و این وجه عملکردی مجموعه و فضای شهری پیرامون؛ آن را به یک فضای مکتب مؤثر در بازار تبدیل نموده بود. عدم تفکیک فضایی مجموعه سبب شده بود تا زنانی که از این مجموعه استفاده می‌کردند بتوانند به تمامی مجموعه و به تبع فضای شهری اطراف آن دسترسی کاملی داشته باشند و این امر موجب ایجاد فضای عمومی با غلبه حضور بانوان شد. تعریفی که پشتیبان حضور برابر مردان و زنان در فضا بوده و هر گروهی به

فراخور حال خویش و دلیل حضور خویش از آن فضا بهره می‌برد. باید توجه داشت که به دلیل بعد مذهبی مجموعه در کنار رفتار عمومی آن، کم و کیف رفتارهای مورد نیاز برای مجموعه و متناسب با چگونگی‌های مذهبی آن توسط زنان و مردان استفاده‌کننده به‌صورت قوانین پذیرفته شده جمعی نانوشته در حال افتادن بود.

بدین ترتیب مجموعه یک ذهن رفتاری هدفمند را ایجاد نموده بود که پذیرای گوناگونی‌های سنی و جنسی استفاده‌کنندگان بود. این تعریف برابر بر حضور زنان و مردان در مسیرهای دسترسی فضای شهری پیرامون مجموعه تأثیرگذار بود. دسترسی اصلی موجود در مجموعه (پیش از طرح توسعه) ورودی قدیمی مجموعه بود بدین ترتیب با توجه به دسترسی تاریخی قدیمی مجموعه و حضور زنان، محور پیش روی این ورودی دارای تعدادی عملکردهای مورد تقاضای بانوان بود که در این سال‌ها به‌تدریج تعدیل و یا حذف شده‌اند. شکل شماره ۲، فضای اولیه مجموعه خواهر امام و فضای شهری پیرامون آن را قبل از اعمال تغییرات نشان می‌دهد.



شکل ۲- تحلیل فضای اولیه پیش از اعمال تغییرات در طرح توسعه

پس از طرح توسعه حرم دسترسی‌های مجموعه به تفکیک ورودی زنان و مردان تقسیم شد با این نگاه ورودی زنان به بخش پشت مجموعه حرم منتقل شد و ورودی اصلی مجموعه و فضای باز شهری جلوی بنا درگیر با ورودی آقایان و متعاقباً درگیر رفتارهای بیشتر مردانه شد. طوری که امروز دیگر حیاط این مسجد که یک فضای مکث مرکز محله‌ای برای مجموعه بازار در محله ساغریسازان بود از حضور بانوان خالی شده است و با توجه به تغییراتی که در کالبد فضا (تغییر ورودی‌ها به تبع کاهش خوانایی فضا، حذف برخی کاربری‌های جاذب بانوان، ایجاد فضاهای گمشده و...) رخ داده مجموعه‌ای از رفتارهای محافظتی و امنیتی مانند نصب دوربین به این مجموعه اضافه شد، همچنین در تمامی طول روز به زنانی که در فضای باز مجموعه در حال رفت‌وآمد هستند تذکر داده می‌شود که لازم است تا رفتار خاصی را به دلیل حضور مردان در این فضا انجام دهند که این امر از آزادی و اختیار موجود در فضا که یک شاخص مهم عمومیت و همه‌شمولی فضا است، می‌کاهد. شکل شماره ۳ تغییرات ایجادشده در فضا پس از طرح توسعه حرم را نشان می‌دهد.

تغییر در چگونگی‌های استفاده از فضا به تدریج سبب شده است که استفاده از مجموعه توسط زنان بسیار کاهش یابد و دیگر در این فضا تنوع رفتاری و سنی در حضور بانوان را مشهود نباشد. باید توجه داشت که در گذشته فضا؛ مردان و زنان با توجه به میل شخصی خویش و با توجه به قوانین نانوشته اجتماعی و رفتاری که در مجموع حاکم بود از این فضا استفاده می‌کردند، روندی که سبب‌ساز خلق فضای مکث عمومی برای زنان در محور بازار بود. باید این نکته را مورد توجه قرار داد که فضای شهری پیرامون حرم تا ۱۰ سال پیش یک فضای مکث عمومی در محور حرکتی بازار بود که پس از تغییرات کالبدی ایجادشده این میدانچه عمومی بصورت یک تصمیم جمعی از مجموعه بازار حذف شده و دیگر آن رفتار عمومی را به جز در زمان‌های مذهبی عاشورایی از خود نشان نمی‌دهد. نگاهی که با توسعه کالبدی مجموعه

تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری... ۱۲۱

و بدون در نظر گرفتن اتفاقی معنایی موجود در فضا سبب‌ساز حذف یک رویداد فضایی بزرگ بوده است.



شکل ۳- تغییرات ایجادشده در طرح توسعه مجموعه خواهر امام و فضای شهری پیرامون آن

در دهه‌های اخیر توجه به زنان و حضور آنها در شهر با توجه به نظریات جدید در حوزه‌های شهری بخصوص اجتماعی، گسترش یافته است. غالب پژوهش‌های انجام شده در قالب پارادایم عینی و کمی و رهیافت‌های روش‌شناسی اثبات‌گرا^۱ بوده که در انتها به آزمون نظریه^۲ و تأیید یا ابطال فرضیات تحقیق منجر شده است. این مطالعه

1. positivism
2. Theory testing

درصدد آن است که با رویکرد انتقادی^۱ و در قالب روش‌شناسی مردم‌نگاری انتقادی^۲ و تحلیل گفتمان انتقادی^۳ به تبیین رویکرد عدالت جنسیتی^۴ در ارتباط با فضای شهری اطراف حرم پس از طرح توسعه بپردازد.

مسئله مورد بررسی این پژوهش آن است که بانوان محله ساغریسازان و اطراف حرم خواهر امام رضا (ع) نسبت به فضاهای شهری اطراف حرم چه نوع جهت‌گیری دارند و دلایل استفاده و یا عدم استفاده از آن‌ها را چگونه تشریح می‌کنند و سپس با بهره‌گیری از رویکرد انتقادی، تبیین‌های لازم در مورد دلایل کاهش استفاده بانوان از فضاهای شهری مذکور قابل‌ارائه می‌باشد.

مبانی نظری و مروری بر مطالعات پیشین:

عدالت پیش‌نیاز هر عملی است که هدف آن ارتقا و بهبود کیفیت زندگی انسانها است. این بدان معنی است که برابری و عدالت جنسیتی تنها به‌عنوان پرسش اساسی حقوق انسانی و عدالت اجتماعی مطرح نیست، بلکه همچنین ابزار و پیش‌شرطی برای حفاظت از محیط و امنیت بشر است. عدالت جنسیتی یکی از ابعاد عدالت اجتماعی است (Begum, 2001: 11). عدالت جنسیتی موضوعی بسیار مهم در رشد و توسعه هر جامعه‌ای محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که بانک جهانی دست‌یابی به عدالت جنسیتی را برای اقتصاد کشورها بسیار ضروری می‌داند. هاروی^۵ معتقد است مفهوم عدالت اجتماعی نه‌تنها در زمان و مکان متفاوت است بلکه همچنین بستگی به تفکر افراد دارد. از دید برتون^۶ یکی از عوامل بهبود و ارتقا

-
1. Critical approach
 2. Critical Ethnography
 3. Critical Discourse Analysis
 4. Gender justice
 5. David Harvey
 6. Richard Francis Burton

عدالت اجتماعی، ایجاد عدالت جنسیتی است (Knox & Pinch, 2001: 161). در بررسی عدالت جنسیتی به نظر می‌رسد بررسی تبعیض‌های وارده بر زنان ضروری خواهد بود. تبعیض‌ها و جدایی‌های اعمال شده بر زنان از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. بی‌عدالتی تنها یکی از تبعیض‌های اعمال شده بر زنان در طول اعصار بوده که در به حاشیه راندن این گروه مؤثر بوده است.

جولکا بگوم^۱ از مواردی مانند عدالت جنسیتی، فقر، میزان مرگ‌ومیر و تولد، سلامت، وضعیت شغلی، دستیابی به خدمات و امکانات، حقوق زمین، مشارکت در تصمیم سازی و ... نام می‌برد (Begum, 2001: 17). اما رویکرد جنسیتی در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری مبتنی بر نیازهای مردان به ایجاد فضاهای مردانه منجر شده است. به لحاظ تاریخی، معماری و برنامه‌ریزی شهری، فعالیتی مردانه تلقی شده که خود فضاهای شهری را به فضاهایی جنسیتی^۲ تبدیل کرده است. گویی علائق و نیازهای مردان، جهانی و دربرگیرنده هر دو جنس است (Hexly, 2002: 36).

این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان به دلیل شرایط خاص خود در رفتار با فضا و همچنین مسئولیت‌های محول شده بر آنها در زندگی روزمره، بیشتر از مردان با فضا مرتبط هستند و مدت‌زمان بیشتری را هم در فضا صرف می‌کنند (Frank, 2002: 347). برای توضیح چگونگی به وجود آمدن فضاهای عمومی جنسیتی و مشخص کردن عملکردهایی که به عدم مشمولیت زنان در فعالیت‌های عمومی منجر می‌شوند، از ایده جغرافی‌دانان فمینیست^۳ استفاده می‌شود. منشأ این رویدادها به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. جغرافی‌دانان فمینیست چگونگی ارتباطات جنسیتی در فضاهای کالبدی در قلمرو عمومی و خصوصی را مورد توجه قرار می‌دهند (Hayden, 2003: 35).

-
1. Julekha Begum.
 2. Gender Spaces
 3. Feminist geographers

آنچه در این بررسی‌ها و تحقیقات مورد انتقاد قرار گرفت کوری جنسیتی در برنامه‌ریزی بود. برنامه‌ریزی به علت بی‌توجهی به مسائل جنسیتی و عدم پاسخگویی به نیازهای محلی و جهت‌گیری‌های منطقی - ذهنی آن مورد انتقاد قرار گرفت. فعالیت‌های فمینیست‌ها و انتقادهای آنان بر برنامه‌ریزی و طراحی شهری نتایج مثبتی در برداشت. توجه به نیازها و خواست زنان در برنامه‌ریزی و توانمند کردن و حق آزادی بیان در برنامه‌ریزی مشارکتی برای گروه‌های مانند زنان که در حاشیه قرار دارند از نتایج این فعالیت‌ها بود (Johnson & Miles, 2014: 45).

مطالعات خارجی و داخلی متعددی در خصوص عدالت جنسیتی و مشارکت و استفاده بانوان از فضاهای شهری انجام شده است. با این وجود در خصوص موضوع تحت بررسی در این مقاله تنها به چند مورد زیر اشاره می‌شود:

در تحقیقی با عنوان "جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره"^۱ که توسط بیبیجون^۲ در سال ۲۰۱۶ در مجله (Urban Affairs) به چاپ رسید، محقق ضمن مرور منابع مرتبط با زنان، بحث حق به شهر^۳ و حق زندگی روزمره را از حقوق اساسی زنان می‌داند که باید توسط برنامه ریزان شهری مورد توجه قرار گیرد.

در مقاله‌ای که با عنوان "به سوی فضاهای عمومی فراگیر: یادگیری از تجربیات روزمره زنان عرب مسلمان در شهر نیویورک"^۴ در سال ۲۰۱۴ توسط جانسون و مایلز^۵ تهیه شد از طریق روش تحقیق کیفی و پدیدارشناسی به تجربه‌های حضور زنان در فضاهای شهری پرداخته شد؛ نتایج تحقیق نشان داد که علاوه بر عواملی چون دسترسی و تسهیلات، عامل حفظ حجاب و زبان مشترک و توجه به معیارهای مذهبی بانوان در میزان حضور پذیری زنان تأثیرگذار بود.

-
1. Gender, urban space, and the right to everyday life
 2. Beebeejaun
 3. Right to the city
 4. Toward more inclusive public spaces: Learning from the everyday experiences of Muslim Arab women in New York City
 5. Johnson & Miles

رساله دکتری با عنوان "مدرن سازی فضاهای عمومی، هویت های جنسی؛ مدرنیته چندگانه؛ سیاست های فضایی در تهران"^۱ که توسط نازگل باقری در دانشگاه Missouri در سال ۲۰۱۳ تهیه شد، در این رساله محقق با بهره گیری از روش تحقیق ترکیبی و استفاده از مطالعات قوم نگاری، بهره گیری از تجارب زیسته زنان تهران و ترجیحات آنان در استفاده از فضاهای عمومی و بهره گیری از تحلیل های فضایی در نرم افزار GIS؛ به بررسی ارتباط میان سبک های طراحی، جنسیتی شدن مرزهای فضایی و ماهیت احتمالی فضاهای عمومی می پردازد.

وایو و لایکوجیانی^۲ (۲۰۰۶) در مقاله ای با عنوان "زنان، محله ها و زندگی روزمره"^۳ که در مجله مطالعات شهری انتشار یافت، زندگی روزمره در محله های شهری را از دیدگاه زنان تشریح می کند، هدف پژوهش، به لحاظ نظری اشاره به زندگی روزمره به عنوان یک مفهوم است که در گستردگی و تنوع تجربیات روزمره مؤثر است و به رویکرد زندگی شهری و توسعه شهری به عنوان فرآیندهای مردمی و جنسیتی کمک می کند. این مقاله به محله به عنوان بستری جهت تعاملات اجتماعی بخصوص زنان نگاه می کند که بهتر است طراحی زنانه در این بستر صورت پذیرد.

در مقاله ای با عنوان "حق به شهر جنسیتی: اشکال گوناگون تعلق به زندگی روزمره"^۴ که توسط تووی فنستر^۵ در مجله مطالعات جنسیتی در سال ۲۰۰۵ انتشار یافت؛ از نظر نویسنده مفهوم حق شهر لوفور^۶ نسبت به روابط قدرت میان دو جنس و تأثیری که این روابط بر احقاق حق زنان نسبت به شهر دارد، بی تفاوت است. فنستر تعریف حق شهر را در دو مقوله کلی حق استفاده از فضای شهری و حق مشارکت

-
1. Modernizing the public space: gender identities, multiple maternities, and space politics in Tehran
 2. Vaiou, D., & Lykogianni, R
 3. Women, neighborhoods and everyday life
 4. Gender and the city: The different formations of belonging
 5. Tovi Fenster
 6. Henri Lefebvre

خلاصه می‌کند. نویسنده هم حق استفاده از فضای شهری و هم مشارکت در تولید و اداره آن را زمینه‌ساز ایجاد حس تعلق می‌داند. در نهایت او منشأ نادیده گرفته شدن حق زنان در فضای شهری را نبود توازن در روابط جنسیتی در قلمروی خصوصی خانه می‌داند که به قلمروی عمومی تسری یافته است.

رضازاده و محمدی در مجله نامه معماری و شهرسازی مقاله‌ای با عنوان "طراحی فضای محله‌ای با تکیه بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی" ارائه دادند. این تحقیق بر نظریه «اصل اخلاقی مراقبتی»^۱ مبتنی بود که تجارب استفاده زنان در فضاهای عمومی را مورد بررسی قرار می‌داد.

جدول ۱- مروری بر مطالعات خارجی و داخلی در خصوص عدالت جنسیتی

عنوان مقاله/پژوهش	دیدگاه ارائه شده	محقق
جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره	بحث حق به شهر و حق زندگی روزمره را از حقوق اساسی زنان می‌داند که باید توسط برنامه ریزان شهری مورد توجه قرار گیرد	Beebeejaun, Yasminah, 2016
به سوی فضاهای عمومی فراگیر: یادگیری از تجربیات روزمره زنان عرب مسلمان در شهر نیویورک	علاوه بر عواملی چون دسترسی و تسهیلات، عامل حفظ حجاب و زیان مشترک و توجه به معیارهای مذهبی بانوان در میزان حضور پذیری زنان تأثیرگذار بود	Johnson & Miles, 2014
مدرن سازی فضاهای عمومی، هویت‌های جنسی؛ مدرنیته چندگانه؛ سیاست‌های فضایی در تهران	زنان در فضاهای مدرن احساس آزادی و راحتی بیشتری نسبت به فضاهای سنتی در ایران دارند.	Bagheri, Nazgol, 2013

عنوان مقاله/پژوهش	دیدگاه ارائه شده	محقق
زنان، محله‌ها و زندگی روزمره	به محله به‌عنوان بستری جهت تعاملات اجتماعی بخصوص زنان نگاه می‌کند که بهتر است طراحی زنانه در این بستر صورت پذیرد	Vaiou, D, Lykogianni, R. 2006
حق به شهر جنسیتی: اشکال گوناگون تعلق به زندگی روزمره	منشأ نادیده گرفته شدن حق زنان در فضای شهری را نبود توازن در روابط جنسیتی در قلمروی خصوصی خانه می‌داند که به قلمروی عمومی تسری یافته است	Fenster, Tovi: 2005
طراحی فضای محله‌ای با تکیه بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی	بیان اهمیت و لزوم حضور زنان در فضاهای شهری به‌واسطه تعریف فعالیت‌ها و عملکردهای حمایتی در فضاهای عمومی است.	Rezazade&Mohammadi,2008

مأخذ: نگارندگان

روش

با توجه به اینکه هدف این تحقیق تبیین عوامل مؤثر بر عدالت جنسیتی در فضاهای شهری است و از سویی دیگر مقاله مذکور به بررسی موضوع مهم عدالت در فضاهای شهری می‌پردازد لذا جهت پاسخگویی بهتر به سؤالات تحقیق، روش تحقیق انتقادی به‌عنوان روش‌شناسی غالب انتخاب شده است. جهت انجام پژوهش و عملیات تحقیق از روش مردم‌نگاری انتقادی استفاده شده است. مردم‌نگاری روشی است که به درک و فهم بسترمند فرآیندهای اجتماعی و ماهیت ذهنی و بین ذهنی زندگی انسان می‌پردازد.

این روش درصدد تفسیر و تشریح معانی و مفاهیم مربوط به رویدادها و وقایع اجتماعی برای آن دسته از کسانی است که این رویدادها را تجربه کرده و با آنها درگیرند (Corbin & Strauss, 2008).

بر اساس نظر موک^۱ (۱۹۹۴) می‌توان ۴ مکتب فکری مردم‌نگارانه را از هم تفکیک کرد که یکی از آن مکاتب مردم‌نگاری انتقادی است. مردم‌نگاری انتقادی مبتنی بر نظریه انتقادی است (Fontana & Frey, 1994). این نوع مردم‌نگاری به وجود یک فرهنگ مستقل از ذهن انسان‌ها اعتقاد ندارد، اما معتقد است که محققان و اعضای یک فرهنگ با هم یک طرح فرهنگی مشترک می‌سازند. محققانی که در این نحله کار می‌کنند به بررسی عمیق و تاریخی "موقعیت‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی" می‌پردازند. تمرکز بر موضوع بی‌عدالتی، نابرابری و ستم اجتماعی، مردم‌نگاری انتقادی را از مردم‌نگاری متعارف متمایز می‌سازد.

جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان و مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است در میان راهبردهای ده‌گانه‌ای که پاتن^۲ مطرح کرده است، از راهبرد نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد که در این شیوه از هر یک از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد که مشارکت‌کننده بعدی که پیرامون مقوله یا مفهوم خاصی اطلاع دارد چه کسی است (Patton, 2002).

سپس با استفاده از تکنیک اشباع نظری در مورد تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد؛ مشارکت‌کنندگان این مطالعه را بیست‌وپنج نفر از بانوان محله ساغریسازان تشکیل داده‌اند. بر اساس این تکنیک، زمانی که محقق به این نتیجه برسد که انجام بیشتر مصاحبه و مشاهده، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت محقق گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند.

1. Muecke
2. Patton

در پژوهش‌های انتقادی، جهت ارائه نظریه انتقادی از طیفی از روش‌ها جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های ساخت نیافته و باز و بررسی‌های اسنادی (Mohammad pour, 2013). روش جمع‌آوری داده‌ها در تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی بوده است.

در پژوهش حاضر از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف که یکی از روش‌های تحلیل داده‌های انتقادی است؛ جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در تحلیل گفتمان انتقادی یکی از شیوه‌های تحلیل داده‌ها توجه به کلمه‌ها، جمله‌ها و مشخصه‌های زبانی، یا به عبارت دیگر، تمرکز بر شیوه کاربرد زبان به شیوه انتقادی است. زبان چطور به کار می‌رود؟ برای چه به کار می‌رود؟ بسترهای کاربرد آن چه هستند؟ (Mohammad pour, 2013). در سطور زیر پس از تعریفی از روش تحلیل گفتمان انتقادی، ساختار و فرآیند انجام این تحلیل و مراحل انجام آن در مطالعه حاضر توضیح داده شده است.

واژه تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی به شیوه‌های متعدد در ادبیات مرتبط با آن به کار رفته است. بنیان‌های نظری این روش - حتی به طور ضمنی - ریشه در کارهای آلتوسر و باختین^۱ (۱۹۸۶) درباره ایدئولوژی، نظریه ژانر^۲ باختین و مکتب انتقادی فرانکفورت^۳ دارد. در این خصوص باختین از شخصیت‌های بسیار اثرگذار بر کسانی چون نورمن فرکلاف^۴ است. تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف با زبان‌شناسی کارکردی سیستماتیک هالیدی نیز در ارتباط است، در حالی که روش وداک و ون دایک بیشتر از مدل شناختی برنامه‌ریزی متن الهام می‌گیرد (Chilcote, 2000).

زبان صرفاً یک برساخته اجتماعی نیست، بلکه چون امری از نظر اجتماعی تعیین شده نیز دیده می‌شود. طبق نظر فرکلاف، این یک رابطه بسیار پیچیده است. از یک طرف،

-
1. Louis Althusser and Mikhail Bakhtin
 2. Theory of the genre
 3. Frankfurter Schule
 4. Norman Fairclough

انواع بسیار متفاوتی از گفتمان‌ها ممکن است در درون یک نهاد هم‌زیستی داشته باشند. در حالی که از طرف دیگر، رابطه بین کاربرد زبان واقعی و هنجارها و قراردادهای یک رابطه شکل یک خط مستقیم ندارد. فرکلاف این رابطه پیچیده را با استفاده از مفهوم "نظم گفتمانی"^۱ تعریف شده با ارجاع به فوکو^۲ بررسی می‌کند. "نظم گفتمانی" یک قلمرو اجتماعی بر تامت انواع گفتمان‌ها و روابط بین آنها در این قلمرو دلالت دارد.

در درون نظم‌های گفتمان، فرکلاف (۱۹۸۹) دو مقوله از نوع گفتمان را از هم تفکیک می‌کند: گفتمان‌ها و ژانرها. گفتمان‌ها بر مبنای حوزه‌های مشخصی از تجربه و دانش شکل می‌گیرند و ژانرها نیز با انواع خاصی از واقعیت ارتباط دارند، مانند مصاحبه شغلی، مصاحبه رسانه‌ای یا تبلیغات. برای عملیاتی کردن ملاحظه‌های نظری فوق فرکلاف یک چارچوب تحلیلی ارائه می‌دهد. وی سه بعد را به هر رویداد گفتمانی نسبت می‌دهد. آن‌ها بطور هم‌زمان عبارت‌اند از: متن، روش گفتمانی - شامل تولید و تفسیر متن - و روش‌های اجتماعی. تحلیل گفتمان فرکلاف بر این سه بعد استوار است: (۱) در سطح متنی، محتوا و شکل تحلیل می‌شوند. به جای شکل، فرکلاف از سازمان متنی با بافت سخن می‌گوید که به کار هالیدی و هسن ارتباط پیدا می‌کند. از نظر وی این دو بعد محتوا و شکل از هم جدا نیستند: محتواها به وسیله اشکال خاص تحقق می‌یابند و محتواهای متفاوت دارای اشکال متفاوت هستند و برعکس.

(۲) در سطح روش‌های گفتمانی، رابطه بین متن و روش‌های اجتماعی مدنظر است. این بعد با ابعاد اجتماعی - شناختی تولید و تفسیر متن ارتباط دارد. تحلیل روش‌های گفتمانی نه تنها مستلزم تبیین دقیق این امر است که مشارکت‌کنندگان چه طور در جریان تعامل متون را تفسیر و تولید می‌کنند، بلکه روابط رویدادهای گفتمانی را برای نظم‌های گفتمان در نظر می‌گیرد؛ یعنی امر گفتمانی.

۳) سطح روش‌های اجتماعی به سطوح متفاوت سازمان اجتماعی مربوط می‌شود؛ یعنی به نهاد، بستر نهادی و سطح وسیع‌تر بستر اجتماعی. در اینجا مسئله قدرت مطرح می‌شود. قدرت و ایدئولوژی بر هر سطحی از متن تأثیر می‌گذارند. فرکلاف با ارجاع به مفهوم هژمونی گرامشی مراجعه می‌کند (Frankfurter, 1989). سه سطح از گفتمان یعنی شرایط اجتماعی تولید و تفسیر متن، فرآیند تولید و تفسیر و خود متن را از هم جدا می‌کند.

بر این اساس فرکلاف (۱۹۸۹) و تیشر^۱ (۲۰۰۵) سه بعد یا سطح گفتمان را این‌گونه بیان داشته‌اند که ساختار اصلی مقاله حاضر را تشکیل داده‌اند:

۱- توصیف: توصیف مرحله‌ای است که به ویژگی‌ها و محتوای ظاهری متن ارتباط دارد.

۲- تفسیر: به رابطه بین متن و تعامل و به مشاهده متن به‌عنوان محصول فرآیند تولید و همچون منبع در فرآیند تفسیر دلالت دارد.

۳- تبیین: به رابطه بین تعامل و بستر اجتماعی و در واقع به تعیین اجتماعی فرآیندهای تولید، تفسیر و تأثیرهای اجتماعی آنها مرتبط است.

یافته‌ها

در بررسی فضا دیده شد که فضا در روند توسعه خود نیازمند توجه به گذشته و کیفیات مستتر در گذشته فضا می‌باشد. همچنین مصاحبه‌شوندگان در فرآیند تحقیق بر کاهش استفاده از فضا و عدالت جنسیتی آن تأکید داشته‌اند. لذا در امتداد تحقیق لازم دیده شد تا با نگاهی عمیق‌تر بتوان دلایل چنین وضعی را در فضاهای عمومی موجود پیگیری نمود و کاهش عدالت جنسیتی در بهره‌گیری از فضا را تحلیل و تبیین نمود. با توجه به چارچوب ذکرشده و مراحل تحقیق در سطور بعدی مقاله پیش رو با توجه به

تجمیع مصاحبه‌های هدفمند و در بازه‌های سنی مختلف به تحلیل انتقادی تغییرات ایجادشده در بهره‌گیری از فضا توسط بانوان پرداخته شد.

در سطح توصیف مجموعه‌ای از موارد زیر مدنظر قرار گرفته است:

انتخاب نوعیت واژگان، توافق و تضادهای معنایی در واژگان بکار رفته و انتخاب بازه‌های متنوع از استفاده‌کنندگان بانو از فضا، تعریف مکانی خاص و متناسب با کیفیات و رفتار موردنظر و ضمائر تأکید شده "ما" و "آن‌ها" در سخنان شنیده شده از بانوان و تواتر واژگان "حرم بانو، حرم ما، راحتی، تغییرات، مردان، قبلاً، خودمون" دیده شده است. واژگانی که در مجموعه سخنان استفاده‌کنندگان بانو به‌کرات دیده شده و در سنین مختلف بیان شده است. از این‌رو می‌توان چستی دل‌مشغولی‌های موجود در ادراک فضا را در آنها جستجو نمود. چه اینکه این لغات، پرتواتر ترین و تأکید شده ترین واژگان موجود در مصاحبه‌ها بوده‌اند و از سویی دیگر در واژگانی چون "مادرم، دخترم، پدرم، آقایون، خانم همسایه، حرم خودمون" دیده می‌شود.

نکته قابل‌توجه دیگر و قابل‌استخراج از بطن سخنان موجود تأکید بر فضای موردنظر با نام "خودمون" و "ما" است که بار معنایی "خودمون" یک جنسیت زنانه را معرفی می‌نماید. چه اینکه حرم موردنظر حرم یک امامزاده بانو است که بافت بازار به دور آن شکل‌گرفته است و از این‌رو گوناگونی رفتاری و جنسیتی موجود در مجموعه، یک فضای آرام زنانه را در میان حرکت‌های بیشتر مردانه بازار شکل داده بود. در مصاحبه‌ها تغییرات ادراکی فضا با توجه به تغییرات جدید دیده می‌شود. تعاریفی که گوناگونی‌های استفاده قبلی فضا را تحت تأثیر قرار داده و از آنجاکه استفاده‌کنندگان غالب فضا را بانوان شکل می‌دهند، این تغییرات در درک استفاده‌کنندگان فضا بازخوردهای دگرگونی را داشته است.

پرتکرارترین واژه‌های بکار رفته واژه "خانم‌ها" را می‌توان در متون دید و تأکید بر حس آرامش و آزادی، راحتی و تعلق خاطر بانوان استفاده‌کننده در کنار امامزاده بانو

تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری... ۱۳۳

در مصاحبه‌ها بسیار دیده می‌شود. از این روست که واژه "آرامش و راحتی" در بسیاری از مصاحبه‌ها دیده می‌شود.

جدول ۲- مروری بر پرتکرارترین واژه‌های بکار رفته توسط استفاده‌کنندگان بانو به صورت واضح و

در معانی

واژگان کلیدی	تعداد استفاده از خود واژگان	تعداد تأکیدات بر معنای واژه در معنی جمله
ما	۳۰	۴۵
آنها	۵	۱۵
خودم	۱۵	۴۵
آقایون	۱۶	۱۵
خانم‌ها	۳۲	۴۷
راحتی	۲۰	۳۰
شوهر	۶	۱۵
پسر	۵	۶
بچه‌ها	۱۵	۱۵
مادرم	۱۰	۱۱
دخترم	۷	۷

مأخذ: نگارندگان منبعث از پرسشنامه‌ها

"خانم، خودتون زن هستن. مثل خواهر ماست. خانم حرف ما رو می‌فهمه و اسه همین اینجا که میایم آرامش بیشتری دارم. چون خانم از خودمونه هوای ما رو نگه می‌داره. راحتی و حس آرومی که اینجا دارم جاهای دیگه ندارم" (خانمی ۴۵ ساله از محله ساغریسازان).

پس از این واژه که نگاهی به کلیات و معنای فضا داشته است نگاه به تغییرات بوجود آمده در فضا بیان شده که در آن به واژه تغییرات و ورود مردان به فضا بیشترین

تأکید دیده می‌شود. در این میان بانوان از واژه "شوهرم و پسر" و واژگان مشابه آنها کمتر استفاده کردند. و بیشتر از واژگان "آقایون و مردان" استفاده شد. این واژگان نگاه صرف ورود بیشتر استفاده‌کنندگان مرد به فضا است و با تغییرات بوجود آمده آن فضای زنانه میان بازار درگیر حضور مردان شده و حضور آنان در فضا مانند گذشته کم و مشخص شده نیست. از سویی دیگر با تغییرات بوجود آمده در مکان حتی در داخل حرم نیز حضور مردان وجود دارد و نوعیات آرامش گذشته فضا با ورود احساس دیده شدن، توسط مردان تغییر نموده است و زنان به فضاهای پشتی رانده شده‌اند.

"قبلاً آقایون توی حرم نمی‌اومدند. البته واسه نماز گاهی می‌اومدند ولی تا ایون می‌اومدن. و توی حرم فقط خانم‌ها بودند. آگه غصه‌ای بود همه هم جنس هم بودیم. گریه می‌کردیم. راحتیمون بیشتر بود." (خانمی ۵۷ ساله از خیابان مطهری).

زنان در این فضا یک تعریف راحتی، به دلیل دیده نشدن توسط مردان را به تکرار بیان داشته‌اند و دیده شدن توسط مردان به نظر آنان تعاریف آسایش و آرامش فضا را کاهش داده است و از سویی دیگر موجودیت اصلی و زنانه فضا به دلیل امامزاده بانو یک فضای امن زنانه در کنار عمومی بودن کلیت فضا را برای آنان بوجود آورده بود، فضای عمومی که با تغییرات و تقسیمات کالبدی جدید بوجود آمده و تخصیص بخش جلویی فضا به مردان، در بعد معنایی و کالبدی در ذهن استفاده‌کنندگان بانو تغییر نموده است.

با توجه به وجود خاطرات بسیاری از مادر بزرگ‌ها، زنان، مادران و دختران در فضا؛ حضور مردان در فضا کمتر دیده می‌شود. مصاحبه‌های انجام‌گرفته چه از نظر تواتر استفاده و چه با توجه به کنه معنای موجود در آن، فضا را یک فضای عمومی با غلبه زنان معرفی می‌نمایند. فضای که با حضور امامزاده بانو (خواهر امام رضا (ع)) یک شخصیت بالفعل زنانه را در تعاریف خود دارا است از این رو دیده می‌شود که با حضور امامزاده بانو، بانوان استفاده‌کننده یک همزادپنداری معنایی در فضا داشته‌اند و کل

فضا؛ یک بار معنایی با غلبه زنانه را تداعی می‌نماید. در سخنان این استفاده‌کنندگان بانو نه مردگریزی بلکه وجود فضایی که حائل میان آنان و فضای مردانه پیرامون در شهرشان باشد با تکرار بیان شده است.

تواتر استفاده و استفاده‌کنندگان اصلی فضا و چگونگی عمق و بار معنایی فضا در ذهن ایشان، تعریف و شخصیتی پویا و زنده را به فضا خواهد بخشید. شخصیتی که در ادبیات داستانی بسیار شناخته شده است. ویژگی‌هایی که در تعریف هویت فضا نهفته است. از این رو در تحلیل گفتمان هویت فضا، به‌سادگی می‌توان درک نمود که مکان موردنظر با تمام محبوبیتی که بین مردان و زنان استفاده‌کننده داشته است و با حضور یک معصوم و مشخصاً یک امامزاده بانو، یک فضا با بار معنایی و عاطفی با غلبه زنانه را معرفی می‌نماید.

با بررسی هم‌نشینی و هم‌آوایی واژگان می‌توان در تفاسیری که از گذشته فضا گفته می‌شود وجود واژگان زنان، دختران و کودکان را در کنار هم دید و در تفاسیری که از حال فضا گفته می‌شود وجود واژگان زنان، مردان و تغییرات فضا را در کنار هم دید. واژگانی که به روند تغییرات در وضع موجود فضا نگاهی معنایی داشته است.

"من خودم که بچه بودم با مادرم می‌مردم حرم. یا مادرم که می‌رفت بازار من با دوستم می‌مردم و منتظر مادرم اینا می‌شدیم. ولی حالا اینجا به طوریه که دیگه خیلی راحت نیستم. واسه زیارت گاهی میام اینجا. ولی مثل گذشته نیست. آقایون داخل فضا میان. ما مجبوریم واسه زیارت بیایم و بریم" (خانم ۳۴ ساله از خیابان مطهری).

با توجه به مهم بودن نقش ضمایر در تحلیل گفتمان انتقادی و بررسی در مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده از استفاده‌کنندگان فضا می‌توان به واژه "ما" و "قبلاً" که میان استفاده‌کنندگان بانو بسیار استفاده شده اشاره نمود. واژه "ما" بعد عمومی و اجتماعی را پرواضح می‌نماید و از سویی دیگر بعد اجتماعی زنانه فضا را گوشزد می‌کند. این واژه گاهی با خود امامزاده بانو نیز در مصاحبه‌ها جمع بسته می‌شود و این یک نگاه کلاستر از

یک فضای عمومی با غلبه بانوان را تعریف می‌کند. بانوان در بسیاری موارد از اینکه هم‌جنس استفاده‌کننده هستند نام‌برده‌اند و وقتی گفته‌اند که "ما هم مثل خانم زن هستیم" این یک معنی گسترده‌تر از یک فضا را القا می‌کند. ضمیر موردنظر استفاده‌کنندگان فضا را با معنای مجموعه تلفیق نموده است.

از سویی دیگر این واژه در بسیاری مواقع در کنار واژه "قبلاً" بکار رفته است و تقابل معنایی میان ما (زنان) و آنان (مردان) دیده می‌شود. تقابلی که در صحبت از گذشته فضا دیده نمی‌شود و بار روانی آرامش مجموعه با وجود زنان ذکر می‌شود و تغییرات را با ورود و حضور مردان بیان می‌شود. ورودی که به دنبال خود حساسیت‌های دیگری را در تعاریف فضا ایجاد نموده است. بازخوردهایی که در گذشته فضا وجود نداشته‌اند.

"قبلاً زنان اینجا راحت بودند. ما اینجا منتظر دوستانمون می‌شدیم یا قرار می‌گذاشتیم و اینا. ولی بازسازی اینجا رو که انجام دادن. ما مجبور شدیم بریم پشت فضا بعدم دیگه آقایون هم هستن. ولی قبلاً ما خودمون اینجا بودیم و راحت‌تر بودیم." (خانم ۵۰ ساله از خیابان لاهیجان).

در مصاحبه‌های انجام شده با بانوان استفاده‌کنندگان فضا افعالی مربوط به گذشته و با وجوه خبری و ذکر گذشته دیده می‌شود.

"من از بچگی با مادرم می‌اومدم. ولی فضای خواهرام خیلی با الان فرق داشت. ما با دوستانمون می‌آمدیم اینجا مادرها و پیرها هم بودن. یک جو زنانه خوب و آرومی بود. هم زیارت می‌کردیم هم راحت بودیم و استراحت می‌کردیم." (خانم ۳۷ ساله از خیابان حاجی‌آباد).

در بسیاری از سخنان زنان بر صورت جمعی و عمومی فضا تأکید شده است که تعاریف گذشته فضا را با افعال ماضی و به صورت اخباری بیان نموده‌اند. و این تأکید بر چگونگی گذشته فضا را تثبیت نموده است. در میان جملات کلماتی چون "شاید" و "ممکن است" دیده نمی‌شود. بلکه با استفاده از افعال اخباری؛ گذشته فضا را دقیق و با

قطعیت بیان داشته‌اند. متون از دیدگاه تحلیل انتقادی دارای تاریخ هستند. چه اینکه متن در بستر زمانی و مکانی خود تعاریفی متعدد را خواهد داشت از این رو متون در تحلیل انتقادی به دوران تاریخی خاص خود تعلق دارند و متون و واژگان از دوران تاریخی خود تأثیر می‌پذیرند و بر آن اثرگذارند. از این رو از بافت‌های بینامتنی در بخش‌های تفسیر استفاده خواهد شد.

بافت بینامتنی در گفتمان انتقادی، تشابه موجود در خاطرات استفاده‌کنندگان از یک فضای شهری را به گونه‌ای دیگر حصول می‌نماید. بینامتنی مبتنی بر این اندیشه است که متن نظامی بسته، مستقل و خودبسنده نیست؛ بلکه پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با متون دیگر دارد. حتی می‌توان گفت که در یک متن مکالمه مداومی با متون دیگر وجود دارد. بنابراین متون نه تنها دارای تکثیر معنایی‌اند، بلکه از گفتمان‌های متعدد به هم تنیده‌ای تشکیل شده‌اند. در مصاحبه‌های بعمل آمده در این مجموعه و با توجه به گوناگونی مصاحبه‌ها در گروه‌های سنی مختلف می‌توان به درکی ژرف از چگونگی نگاه‌های متعدد موجود از مجموعه رسید. چه اینکه وقتی بازه‌های سنی مختلفی از استفاده‌کنندگان با فضا درگیر شده‌اند. مجموعه‌ای گسترده از معانی معنوی، عمومی و اجتماعی در مواجه شدن با فضا دیده می‌شود. با نگاه به سخنان استفاده‌کنندگان فضا می‌توان ابعاد متعددی از نیازهای مفقود فضاهای شهری را در مجموعه دید.

باید توجه داشت که تفاوتی در بطن جامعه و در اعتقادات و ذهنیت جامعه میان زن و مرد وجود دارد. از این روست که در صحبت‌های استفاده‌کنندگان فضا دیده می‌شود که بر محدودیت‌های موجود در جامعه توجه داشته‌اند و از این رو امنیت فضا به دلیل شخصیت زنانه آن برایشان مهم و ارزشمند بوده و هست. از این رو فضای وابسته به حرم بانو، با توجه به معانی پنهان خود امنیت و آسایش یک فضای عمومی را برای بانوان داشته است. نقطه‌ای از شهر که درکی از یک فضای عمومی با غلبه زنانه و مناسبت بیشتر فضا با رفتار آنها را در ذهن استفاده‌کنندگان خلق نموده است. تعریفی که به دلیل وجود نگاه تک‌بعدی مردسالارانه به تغییرات کالبدی و عملکردی فضا، در مجموعه کاهش یافته است.

در سطح تبیین لازم است تا متون بدست آمده را در بستر جریان‌های اجتماعی و تاریخی جامعه دید. از این‌رو چگونگی ساختار قدرت در جامعه و تأثیر آن در سطوح رشد جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. این قدرت می‌تواند سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی باشد. از این‌رو در تبیین گفتمان بعد اجتماعی در نظر گرفته شده و نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی چگونه بر گفتمان افراد و معانی ذهنی آنان تأثیر خواهد گذاشت. از سوی دیگر گفتمان انتقادی نشانه‌های ایدئولوژیک را نیز مورد بررسی قرار داده و در نظر می‌گیرد.

بخش تبیین در پژوهش حاضر، نگاه مردسالار و ایدئولوژی‌های ساختاری موجود در بطن جامعه، جایگاه زن در تقابل با مرد، کیفیت روابط موجود در جامعه و جایگاه قوی‌تر مردانه را در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان جامعه نشان می‌دهد. در این مرحله لازم خواهد بود تا پرسش‌هایی مطرح گردد، سؤالاتی چون: چه انواعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن به گفتمان‌ها مؤثرند؟ چه عناصری در متن دارای خصوصیات ایدئولوژیک است؟ آیا گفتمان مورد بحث در خدمت روابط قدرت موجود است یا در جهت دگرگون ساختن آن؟

با توجه به سخنان بالا در مصاحبه‌های انجام شده یک تقابل گفتمان و بازنمود عملکردی با رویکرد مردسالارانه در فضا مشاهده می‌شود. در این تقابل موجود در سخنان استفاده‌کنندگان بانو می‌توان حضور پررنگ قدرت مردانه را در تغییر کیفیات فضا مشاهده نمود و به‌سادگی دیده می‌شود که در طی تغییرات بوجود آمده در سیر تغییرات کالبدی فضا، راحتی زنان در استفاده از فضا کاسته شده است. اگرچه این نکته حائز اهمیت است که سخنان بانوان استفاده‌کننده درون‌مایه‌های اجتماعی و نگاه سستی موجود در جامعه به بانوان را چه از طرف مردان و چه توسط خود زنان نشان می‌دهد. نگاهی که درک و شکل جدیدی از عدالت جنسیتی را با توجه به مفاهیم دینی و آیینی شکل داده است.

با تمام آنچه در فضا رخ داده و از سویی با توجه به پیشینه فضا و درک معنایی بانوان استفاده‌کننده از یک مکان مذهبی با اولویت زنانه به‌راحتی مشهود است که در تغییرات فضا بیشتر از توجه به معانی مستتر موجود در فضا به تغییرات صرف کالبدی آن پرداخته شده است، موضوعی که در رشد و تغییرات فضاهای شهری بسیار به چشم می‌خورد. تغییراتی در فضا که در آن هویت زنانه و درک معنایی بانوان در مرحله دوم قرار گرفته و فضا به سمت اولویت رفتاری مردانه پیش رفته است. تعاریفی که در معانی فرهنگی موجود در جامعه پنهان شده‌اند. باید توجه نمود که هویت جنسیتی در چارچوبی از پیش تعیین شده که جامعه بر افراد تحمیل می‌کند شکل می‌گیرد؛ اما ضمناً و هم‌زمان با عملکرد اجتماعی، نوسازی می‌شود و استمرار می‌یابد.

با نگاه به گفتمان بدست آمده از سخنان استفاده‌کنندگان فضا می‌توان مشاهده کرد که چگونه روابط هویت مند موجود در کنه عملکرد فضا با نگاهی به اولویت استفاده مردان نوسازی شده و بازتعریف کالبدی یافته است. تغییراتی در فضا که به‌سادگی توانسته ادراک و نحوه استفاده از فضا را تغییر دهد. تا آنجا که حضور سنگین قدرت مردانه حتی در جمع‌های زنانه و در تعریف امروز فضا دیده می‌شود. قدرتی که در تاریخ تغییرات موجود در فضا نمود بیشتری یافته و امروز برای استفاده‌کنندگان فضا بسیار ملموس و اثرگذار شده است.

اینجاست که باید توجه داشت که در ایدئولوژی مردانه مستتر در جامعه، ابعاد متعدد خرد و کلان فردی و اجتماعی دیده می‌شود که مردان به این دلیل که مواضع قدرت را در اختیار دارند، می‌توانند زنان را به اشکال مختلفی به حاشیه برانند. اتفاقی که در تغییرات فضای موردنظر به‌راحتی مشهود بوده است و در بازطراحی فضا چپستی و چگونگی استفاده بانوان از فضا دگرگون شده است.

از این‌روست که در تحلیل انتقادی از مصاحبه‌های بدست آمده احساس پیشین موجود در مجموعه و بازگشتن به فاصله موجود قبلی تقاضا شده است. درخواستی که از سویی، آرامش و امنیت زنانه پیشین فضا را خواستار است و از سویی دیگر نشان از

مقاومت و اعتراض زنان در مقابل ایدئولوژی موجود در جامعه و اولویت دادن به مردان را دارد. تقاضایی که خواستار کاهش حضور و متعاقباً کاهش قدرت مردانه است.

بحث و نتیجه‌گیری

فضای مورد مطالعه تا پیش از اجرای طرح توسعه به این دلیل که مدفن یک امامزاده بانو بوده، فضایی عمومی مذهبی با اولویت استفاده بانوان را بوجود آورده بود. با اجرای طرح توسعه مجموعه بخش‌های مؤثر و اصلی فضا به استفاده آقایان اختصاص داده شد و این برخورد کالبدی جدید به تغییر و کاهش حضور استفاده‌کنندگان بانو انجامیده است. با بررسی سخنان استفاده‌کنندگان بانو از فضا و بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف این نتیجه حاصل شد که گفتمان بدست آمده تصویری از زن در بعد اجتماعی بدست داده است که وابسته به قدرت‌های مردانه و متأثر از آن بوده است.

در سطح توصیف، واژه‌های پر تواتر موجود نگاهی به زنان و اجتماع زنانه‌ای داشته و در پی حفظ و ایجاد فاصله‌ای با حضور مردان بوده است. در بخش تفسیر کاهش امنیت و آسایش فضای عمومی برای بانوان به دلیل وجود نگاه تک‌بعدی مردسالارانه به تغییرات کالبدی و عملکردی فضا دیده می‌شود و در سطح تبیین، نگاه جنسیتی و گفتمان غالب مردانه و تأثیر قدرت مردانه در تغییرات فضا به چشم می‌خورد (شکل شماره ۴). به‌طور کلی می‌توان گفت که عدم توجه به کیفیات مستتر زنانه موجود در گذشته فضا به دلیل وجود اعمال قدرت‌های تک‌بعدی مردانه در بازطراحی فضا، موجبات کاهش حضور بانوان و متعاقباً کاهش عدالت جنسیتی را در برداشته است. تعاریف جدیدی که حضور بانوان در فضا را در لایه‌های دوم استفاده از فضا قرار داده است و فضا را از یک تعریف فضای عمومی به فضایی با اولویت‌بندی استفاده خاص تبدیل نموده است.



شکل ۴- مدل مفهومی نگارندگان بر اساس نظریه انتقادی

این نکته حائز اهمیت است که فضاهای شهری محلی برای برخورد های اجتماعی و برقراری روابط اجتماعی است. تجربه و درک استفاده از فضاهای شهری تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارند. سن، جنسیت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و... از جمله عوامل مؤثر بر تجربه استفاده از فضاهای شهری است. فضاهای شهری باید عدالت را در دسترسی و تأمین خدمات مورد نیاز استفاده کنندگان فراهم سازد در واقع نباید فراموش کرد که همه استفاده کنندگان از فضا حق دارند از آن لذت ببرند و نیازهای اجتماعی منحصر به فرد خود را در آن برآورده ساخته و همچنین حس جمعی بودن را در محیط تجربه نمایند.

در ایران به دلایل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... عمدتاً فضاهای عمومی شهری جنبه‌ای مردان داشته و به‌مرورزمان حضور فعال و هدفمند زنان در آن‌ها کاهش یافته است، تا جایی که برخی از این فضاها به دلیل فقدان برنامه‌ریزی عملکردی مناسب و عدم توجه به نیازهای زنان، توجهی به مشکلات و مسائل مربوط به زنان نظیر نیاز به فضایی برای خود شکوفایی و ارائه توانمندی‌های فردی، برقراری پیوند میان کار، خانواده و فعالیت‌های اجتماعی صورت نگرفته و در نهایت از حضورپذیری فضا برای استفاده‌کنندگان بانوان کاسته است.

ازاین‌رو بر اساس مطالعات صورت گرفته، می‌توان ایجاد فضاهای شهری با طراحی صرفاً مردانه و بدون مشارکت زنان را در سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده در کاهش حضور و مشارکت اجتماعی زنان (که بخش مهمی از ساکنان یک شهر به شمار می‌آید) در فضاهای شهری در نظر گرفت. لذا توجه به مسئله نیازمندی‌های کالبدی، فضایی و رفتاری زنان و بهره‌گیری از مشارکت آنان در تمامی مراحل فرآیند طراحی در تمامی ابعاد از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقداماتی است که لازم است در برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های مصنوع شهری موردتوجه معماران و شهرسازان قرار گیرد. رعایت عدالت جنسیتی یکی از نیاز اساسی زنان در فضاهای شهری است و ازجمله موارد مهمی است که باید در طراحی محیط شهری به آن توجه کرد.

مسئله رعایت عدالت جنسیتی در طراحی فضاهای شهری، موضوعی است که در برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمتر به آن توجه شده است. به‌عنوان مثال در فضای شهری اولویت‌بخشی به مردان و تدارک فضایی برای آنها تداوم می‌یابد و تخصیص منابع در حرفه‌آموزی و اشتغال به امور رفاهی، فراغتی و حمل‌ونقل شهری؛ عمدتاً برای مردان صورت می‌گیرد. این مهم سبب کاهش حضور و در بسیاری موارد حذف بانوان از فضاهای شهری شده و متعاقباً به کاهش کیفیات رفتاری فضاهای عمومی در سطح شهر و در سطح جامعه خواهد انجامید.

تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری... ۱۴۳

با توجه به آنچه گفته شد لازم خواهد بود که به تغییرات گذشته، امروز و فردای فضاهای شهری کشور بیشتر توجه شود چه اینکه دیده می‌شود که بانوان محدودیت‌های موجود در جامعه را برای خود پذیرفته‌اند. ایشان در بازه نگاه سنتی موجود در جامعه خواهان انعطاف در فضاهایی می‌باشند که می‌توان با توجه به نوعیت این فضاها، درک معنایی زنانه را در فضا حفظ نمود و یا با چنین رویکردی بتوان در موقعیت‌های مناسب فضاهای جدیدی را با محوریت رفتار و درک زنانه خلق نمود.



منابع

- Bagheri, Nazgol. (2013). Modernizing the public space: gender identities, multiple maternities, and space politics in Tehran. *A thesis for the degree of Doctor of Philosophy* University of Missouri-Kansas City.
- Bakhtin, M. (1986). *The problem of speech genres. In Speech genres and other late essays*. Austin University of Texas Press.
- Beebejaun, Y. (2016). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39 (3) pp. 323-334.
- Begum, J. (2001). Women, environment and sustainable development, making the links. *Journal of Women and environment*: 11-27.
- Chilcote, Ronald. (2000). *Comparative inquiry in politics and political Economy*, Westwiev Press.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques to developing grounded theory*. (3rd Ed.). Los Angeles, CA: Sage.
- Fairclough, Norman. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, Norman. (2001). *Critical Discourse Analysis as a Method in social scientific Research In, Wodak, Routh and Michael Meyer, (Eds), Methods of Critical Discourse Analysis*, Longman: Sage Publications Ltd.
- Rezazadeh, R & Mohammadi, M. (2008). Designing a Neighborhood Space Based on the Gender Equality Approach and the Framework of Caring Ethics, *Journal of Architecture and Urban Development*, Vol. 1, pp. 26-26.
- Fenster, Tovi. (2005). "The right to the gendered city: Different formations of belonging in everyday life." *Journal of Gender Studies*, 14:3, 217-231.
- Franck, K. (2002). 'Women and Environment' in *Bechtel*, Handbook of Environmental Psychology, John Wiley & sons, New York.
- Fontana, A, & Frey, J. (1994). *Interviewing The Art of Science. Handbook of Qualitative Research*, Thousand Oaks, CA Sage Publication, Inc.
- Hayden, D. (2003). 'What Would a Non-sexist City be like? Speculations on Housing, Urban Design, and Human Work. *Journal of Women in Culture and Society*, vol5, 170-187.
- Hxley, M. (2002). 'Govern mentality, Gender, Planning' in 'Planning Future', Philip Allmendinger & Mark Tewdwr-Jones, Rutledge.
- Johnson, A. M., & Miles, R. (2014). toward more inclusive public spaces: Learning from the everyday experiences of Muslim Arab women in New York City. *Journal of Environment and Planning A*, 46, 1892-1907.

- Knox and Pinch, S. (2001). *Urban Social Geography*, Fourth Edition, Prentice Hall, England. London.
- Mohammad pour, Ahmad. (2013). *Anti-Methodological Qualitative Research Methodology (Logic and Design in Qualitative Methodology)*, Sociology Publication.
- Mohammad pour, Ahmad. (2013). *An Anti-Methodological Qualitative Research Method - Volume 2 (Practical Procedures and Procedures in Qualitative Methodology)*, Sociology Publication.
- Muecke, M. (1994). *On the Evaluation of Ethnographies, In, J. Morse (ed) Critical Issues in Qualitative Research Methods*, Sage, Thousand Oaks, CA.
- Patton, M (2002). *Qualitative research & evaluation methods*, London: sage publication Ltd.
- Strauss, A. and J. Corbin. (1998). *Basics of Qualitative research: Techniques and Procedures for Developing Ground theory, Second Edition*, Thousand Oask, CA: Sage Publication Ltd.
- Sweet, E. L., & Ortiz Escalante, S. (2014). Bringing bodies into planning: Visceral ethods, fear and gender violence. *Journal of Urban Studies*, 52, 1826–1845.
- Titscher, S. and et al. (2005). *Methods of Text and Discourse Analysis*, London: Sage Publications Ltd.
- Vaiou, D, & Lykogianni, R. (2006). Women, neighbourhoods and everyday life. *Journal of Urban Studies*, 43, 731–743.
- Wekerle, Gerda R, (2002). *Gendered Spaces of a Pluralistic. Citizenship, in ' Democracy, Citizenship and the Global City*, Engin F. Isin. Rutledge, London.